

به مناسبت هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران (۱۳۸۳-۱۳۱۳)

در میان موسسات و سازمان های وابسته به آموزش عالی کشور دانشگاه تهران از هر حیث و از هر نظر از جایگاهی رفیع بهره مند است. در واقع اگر متغیرهایی چون سابقه و قدمت، تدریس استادان بنام و بلند مرتبه، تحصیل دانشجویان ممتاز، کثرت دانشجویان، استادان و کارکنان، ارزش مدارک تحصیلی در کشور و خارج از آن، پیوند و تعامل با دستگاه های اجرایی و موسسات و شرکت های صنعتی، اداری، اجرایی و...، داشتن کتابخانه ها و آزمایشگاه ها غنی و مجهز، تعدد رشته ها و دانشکده ها و موسسات پیوسته و وابسته، واقع شدن در پایتخت و در مرکز شهر و... را از معیارهای تعیین اعتبار و اهمیت یک دانشگاه برشماریم، بی گمان دانشگاه تهران را باید معتبرترین و مهم ترین دانشگاه های کشور دانست. بی جهت نیست که از این دانشگاه با تعبیر ((دانشگاه مادر)) و ((نماد آموزش عالی)) یاد شده است.

اندیشه ایجاد مرکزی برای آموزش عالی در ایران و به تعبیر دیگر دانشگاه، نخستین بار با تاسیس دارالفنون در ۱۲۳۰ ه.ش. به همت میرزا تقی خان امیرکبیر عملی گردید. دارالفنون گرچه توسعه نیافت اما تجربه مغتنمی پیش روی کسانی که در آرزوی آشنایی ایرانیان با دانش های جدید و پیشرفت های اروپائیان در صنعت، اقتصاد، سیاست و... بوده اند، قرار داد. با عطف به این تجربه در ۱۳۰۷ ه.ش. پروفیسور دکتر محمود حسایی#پیشنهاد راه اندازی مرکزی جامع همه یا اغلب دانش ها را با وزیر وقت فرهنگ، دکتر علی اصغر حکمت، در میان نهاد.

در بهمن ماه سال ۱۳۱۲ شمسی، جلسه هیات دولت وقت تشکیل و در آن در موضوع آبادی تهران و زیبایی و شکوه ایینه، عمارات و کاخهای زیبای آن سخن به میان آمد. مرحوم فروغی که در آن روز ریاست وزراء را برعهده داشت از یک سو و دیگر وزیران از سوی دیگر زبان به تحسین و تمجید شهر گشودند و برخی از آنان برای جلب رضایت شاه در این مقال، عنان از کف بدادند اما در این میان مرحوم علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف بی آنکه پیشرفتهای پایتخت را نادیده انگارد با لحنی محتاطانه چنین گفت: «البته که در آبادی و عظمت پایتخت شکی نیست» ولی تنها نقص آشکار آن اینست که «انیورسته» ندارد و حیف است که در این شهر نوین از این حیث از دیگر بلاد بزرگ عالم، واپس ماند». این سخنان

ارزشمند تاثیر خود را بر جای نهاد و بی درنگ مقبول همگان افتاد از این رو آنان با تخصیص بودجه اولیه ای به میزان ۲۵۰۰۰۰ تومان به وزارت معارف اجازه دادند تا زمین مناسبی برای تاسیس دانشگاه بیابد و ساختمان آن را در اسرع وقت پدید آورد. علی اصغر حکمت بی درنگ دست به کار شد و جستجو برای مکان یابی مناسب دانشگاه را با کمک و مشاوره آندره گدار، معمار چیره دست فرانسوی که در آن روزگار به عنوان مهندس در خدمت وزارت معارف بود آغاز کرد. آنان پس از جستجوی بسیار در میان ابنیه، باغها و زمینهای فراوان آن روز اطراف تهران باغ جلالیه را برای احداث دانشگاه برگزیدند. در همین حال بر خلاف امروز که یافتن زمین مناسب در شهر تهران برای ایجاد دانشگاهی عظیم تقریباً ناممکن است، در آن روزها زمینهای فراوانی وجود داشت که صاحبان آنها نه تنها در فروش آنها امساکي نداشتند بلکه برای واگذار به چنین مؤسساتی که مسلماً سود کلانی هم بدنبال داشت، سر و دست می شکستند. از همین رو بود که گروهی از مالکین اراضی بهجت آباد با سوء استفاده هایی نظر وزیر مالیه وقت را جلب کرده بودند که زمینهای آنها را برای تاسیس دانشگاه خریداری نماید. در حالیکه به نظر موسیو گدار عرصه آن زمینها تنگ و موقعیت آنها سیل گیر بود و برای تاسیس دانشگاه به هیچ روی مناسب نبود. با این همه مرحوم داور رجحان در جلسه هیات دولت به سختی بر خرید اراضی بهجت آباد پای فشرده و نظر بیشتر اعضاء را جلب کرده و سرانجام دولتیان، بهجت آباد را برگزیدند. در همین حال که علی اصغر حکمت دلشکسته و ناامید ناظر ماجرا بود، رضا شاه وارد شد و پس از اطلاع از موضوع با قلدری خاص خود اوضاع را برهم زد و گفت: «باغ جلالیه را برگزینید. بهجت آباد ابداً شایسته نیست عرصه آن کم و اراضی آن سیل گیر است. دولتیان در برابر این سخنان قاطع، زبان در کام کشیدند و احدی دم برنیاورد.

باغ جلالیه در شمال تهران آنروز ما بین قریه امیرآباد و خندق شمالی تهران قرار داشت. این باغ زیبا که پوشیده از درختان کهنسال مثمر و غیرمثمر بود، در حدود ۱۳۰۰ ق در واپسین سالهای حکومت ناصرالدین شاه قاجار به فرمان شاهزاده ای به نام جلال الدوله بنا یافته و در آن روز در مالکیت تاجری ترک به نام حاج رحیم آقای اتحادیه تبریزی بود. به هر حال باغ جلالیه از قرار متری ۵ ریال و جمعاً به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ تومان از این تاجر خریداری شد و موسیو گدار به سرعت مامور تعیین حدود، نرده گذاری، طراحی و اجرای عملیات ساختمانی در آن شد. در همین حال پانزدهم بهمن ماه ۱۳۱۳. ش لوح یادبود تاسیس دانشگاه با حضور مقامات دولتی در محلی که اکنون پلکان جنوبی دانشکده پزشکی است در دل خاک به امانت گذاشته شد.

آغاز عملیات ساختمانی

طراحی پردیس دانشگاه را نیز همان معمار فرانسوی بر عهده گرفت. وی نخست طرح خیابانهای اطراف و داخل دانشگاه را ارائه کرد و پس از تایید در پانزدهم بهمن ۱۳۱۳، عملیات اجرایی با کاشت نهال های درختان سایه گستر و با شکوه چنار در کنار خیابانها آغاز شد اکنون آن نهال های نحیف عمری به درازای دانشگاه یافته و آنان نیز هفتاد ساله شده اند.

تاسیس دانشگاه تهران که با آغاز آشنایی جدی ایرانیان با مغرب زمین مقارن افتاده بود این دانشگاه را به بستر اصلی ارتباط با تمدن مغرب زمین و علوم جدید تبدیل کرد. از آغاز فعالیت های آموزشی دانشگاه تهران ، تاکنون ، همواره افراد شایسته و شخصیت های برجسته و چهره های صاحب نامی در آن به تدریس یا تحصیل پرداخته اند که در اینجا با صرف نظر از اسامی فعالان کنونی در عرصه های سیاست ، اجتماع، علم و هنر، فقط به نام چند تن از درگذشتگان اشاره می شود.

استاد جلال الدین همایی ، عبدالعظیم قریب ، بدیع الزمان فروزانفر، پروفیسور محمود حسایی ، استاد علی اکبر دهخدا، دکتر محمد معین ، مهندس مهدی بازرگان ، شهید دکتر مصطفی چمران ، دکتر یدالله سبحانی ، شهید دکتر محمد مفتاح ، استاد شهید مرتضی مطهری ، دکتر عبدالحسین زرین کوب ، دکتر کریم ساعی ، دکتر احمد حامی و...

پردیس دانشگاه تهران که از جنوب به خیابان انقلاب ، از شمال به خیابان پورسینا و از شرق و غرب به ترتیب به خیابان های قدس و ۱۶ آذر محدود است در سال ۱۳۱۳ ه.ش در مساحتی به وسعت ۲۱ هکتار تاسیس شد. در این مجموعه ساختمان دانشکده های:

هنرهای زیبا، ادبیات و علوم انسانی، علوم ، فنی ، حقوق و علوم سیاسی ، پزشکی ، دندانپزشکی ، داروسازی و ساختمان کتابخانه مرکزی##- که از مهم ترین کتابخانه های کشور به شمار می آید - و مسجد دانشگاه##واقع شده است . سازمان مرکزی دانشگاه ، اداره امور دانشجویی ، مرکز بهداشت و درمان دانشجویان ، دانشکده محیط زیست ، جغرافیا،و... نیز در خیابان های اطراف دانشگاه قرار دارند. نیز دانشکده های علوم اجتماعی ، علوم تربیتی، کوی دانشگاه ، اقتصاد، الهیات و معارف اسلامی به ترتیب در امیرآباد شمالی و خیابان مطهری واقع شده اند. هم چنانکه شماری دیگر از دانشکده ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه تهران در بیرون از تهران در شهرهای قم ، کرج ، پاکدشت ، ساری ، چوکا و نشتارود واقع شده اند.در سال ۱۳۷۰ه.ش دانشکده های: پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی از دانشگاه تهران جدا شدند و دانشگاه علوم پزشکی تهران را تشکیل دادند.

مرکزیت علمی و آموزشی دانشگاه تهران و گستره و اهمیت آن موجب شده تا اطراف این دانشگاه بویژه خیابانهای انقلاب و ۱۶ آذر و خیابان های منشعب از آنها به بازار اصلی خرید و فروش کتاب تبدیل شود، چنانکه می توان گفت که خیابان انقلاب از مهم ترین بازارهای کتاب در سراسر ایران به شمار می رود.

هم اکنون شمار اعضای هیات علمی دانشگاه تهران حدود ۱۵۰۰ و کارکنان اداری آن بالغ بر ۳۵۰۰ تن است. این دانشگاه از طریق آزمون سراسری در ۱۱۱ رشته کارشناسی، ۱۷۷ رشته کارشناسی ارشد و از طریق آزمون داخلی در ۱۵۶ رشته دکتری دانشجو می پذیرد. ظرفیت آموزشی دانشگاه حدود ۳۲۰۰۰ دانشجو است. همچنین اکنون ۳۴۰ دانشجوی خارجی در دانشگاه تهران در حال تحصیل اند.

نشان رسمی دانشگاه تهران، آرمی به قدمت تاریخ ایران

نقشی که امروز به عنوان نشان رسمی دانشگاه تهران انتخاب شده، از نقوش تاریخی کشور است که سابقه ممتدی در آثار صنعتی داشته و مقام شامخی در فرهنگ ایران باستان حائز اهمیت بوده است.



آرم یا بهتر بگوییم نشان دانشگاه تهران که توسط دکتر محسن مقدم، استاد فقید دانشکده هنرهای زیبا طراحی شده است، برداشت و تقلیدی است از نقشی که به صورت گچ بری شده در محوطه های دوران ساسانی، نقش برجسته ها و نقوش مهرهای این دوره دیده شده است و در این مورد بویژه تقلیدی است از پلاک گچ بری شده مکشوفه از شهر ساسانی تیسفون.

نقوشی که به عنوان نشان از آنها یاد کردیم و به ظاهر به صورت « داغ » احشام در بین طوایف مسکون در ایران مورد استفاده بوده است، همانی است که در شکل مغولی « تمغا » بدان آشنائیم و کلاً این اشکال به عنوان نشان مالکیت بود بر هر چیزی که صاحب آن بودند. در دوران ساسانی این نشان ها در نقش برجسته ها، سکه ها و ظروف نقره به عنوان نشان های خانوادگی به کار رفته اند. از آنجا که در ایجاد این نشان ها از حروف خط پهلوی ساسانی نیز استفاده شده طبیعت یک منوگرام را هم گرفته اند.

آرم دانشگاه تهران از نقش گچ بری شده مکشوفه از تیسفون گرفته شده است که نمونه منشاء آن در کاخ ساسانی مشکوفه از دامغان در دست است. هم در این مورد و هم در موارد مشابه آن در مهرهای ساسانی، نشان ها عموماً در میان دو بال تزئینی (که می تواند بال عقاب باشد) قرار داده شده اند که کاربرد آن را در دیگر نقوش این دوره و شکل تاج های ساسانی

مخصوصاً در اواخر این دوره شاهد هستیم. در شاهنامه فردوسی نیز این گونه تاج ها با عنوان تاج های «دوپر» یاد شده است.

در مورد پلاک به دست آمده از تیسفون، نقش میان بال ها از ترکیب حروف خط این دوره (پهلوی ساسانی) ساخته شده است و عده ای سعی در خواندن و توجیه این نشان ها کرده اند. در مورد تیسفون نقش مورد بحث به صورت «افزوت» (امرود) به معنای فراوانی و افزونی و نیز به صورت «ایلان» (ایران) نیز به صورت «او» برای کلمه اورمزد به معنای اهورا مزدا و یا صرفاً اسم هرمزه و هرمز خوانده شده است. استفاده دو کلمه دانشگاه تهران به شیوه نشان های دوران ساسانی (که از ترکیب حروف تشکیل می شود) در میان بال های تزئینی بر این اساس بوده است. حاشیه تزئینی که از دواپر ریز تشکیل شده نیز دوران هخامنشی به عنوان یک عامل تزئینی مخصوصاً در سکه ها به کار می رفته و در دوران ساسانی نیز در سکه ها، مهرها و گچ بری مورد استفاده داشته است.

بنا به گفته دکتر مظفر بختیار، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در نشان دانشگاه در زمان ریاست جهانشاه صالح تغییراتی داده شد؛ نشان اصلی، مانند آرم بیشتر دانشگاه های غربی، داخل قابی به شکل سپر رومی قرار گرفت و عنوان «دانشگاه تهران» به خط لاتین و نیز شعار «میاسای ز آموختن یک زمان» بر آن اضافه شد. شکل جدید علاوه بر اینکه هیچگونه تناسبی با نقش های اصیل ایرانی نداشت، اهداف و فعالیت های گسترده دانشگاه را در شعار «آموختن» منحصر کرده بود که بار رسالت مهم تربیتی، پرورشی و انسان ساز دانشگاه مغایرت داشت؛ در حدود سال ۱۳۵۰ نیز در شکل اصلی نشان دانشگاه تغییراتی گرافیکی اعمال شد و مدتی هم با آن شکل به کار رفت، ولی به منظور حفظ اصالت نشان قدیم، مجدداً همان نشان به کار برده شده که هنوز هم پا بر جاست.



سردر دانشگاه تهران، سمبل علم و معرفت

بی شک ارزش بین المللی دانشگاه تهران، شهرت جهانی سردر اصلی آن را نیز به ارمغان آورده است. این بنای تاریخی، علاوه بر این که در سطح ملی سمبل تمام نمای علم، دانش، معرفت و نماد زندگی شیرین دانشجویی در زیر سقف مرکز نمادین علمی کشور (دانشگاه تهران) است، در خارج از ایران نیز معرفت یک دانشگاه نامدار در سطح خاورمیانه است. با یک بررسی گذرا می توان ادعا کرد که از میان معروف ترین و معتبرترین دانشگاه های دنیا، دانشگاه تهران تنها دانشگاهی است که از طریق یک بنای فرهنگی سمبلیک با مهندسی پیچیده، پیام های ویژه معنوی، علمی و فرهنگی را به مخاطبان خود القا می کند.

برخی بر این عقیده اند که طرح سردر دانشگاه، الهام گرفته از تصویر خیالی دوپرنده ای است که بال هایشان را برای اوج گرفتن و برخاستن از زمین، باز کرده اند. علم و دانش به دو بال تشبیه شده اند که ورود به دانشگاه با آن دو ممکن است و خروج از دانشگاه نیز با تقویت این بال ها موجب صعود افراد بر فراز اجتماع خود و پاسداری از آن می شود. عده ای دیگر آن را به عنوان کتابی که به صورت باز در مقابل دیدگان گذارنده شده باشد می دانند که بیانگر ارزش مطالعه و تحقیق است. اما از تاریخچه و نحوه ساخت این سردر اطلاعات و اسناد کاملی به دست نیامده است.

بنابر قولی در سال های ۴۶-۴۵ به دستور ریاست وقت دانشگاه طرحی در میان دانشجویان و طراحان مختلف به مسابقه گذاشته شد. از میان طرح های رسیده طرح دانشجویی به نام «کوروش فرزانی» (از دانشکده هنرهای زیبا) به عنوان طرح برتر برگزیده شد. کار اجرای طرح، ابتدا به یک شرکت پیمانکار سوئسی واگذار شد که به دلیل نواقص مربوط به مراحل قالب بندی از ادامه کار توسط این شرکت ممانعت شد و یک شرکت پیمانکاری ایران به نام «شرکت آرمه» اجرای طرح را به عهده گرفته و به اتمام رساند. بنابر آخرین صورت حساب و وضعیت شرکت آرمه هزینه اجرای طرح مبلغ ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان بوده است. اگر چه تاریخ ساخت سردر را در سال های ۴۶-۴۵ می دانند، اما تا سال ۱۳۴۸ هیچ سندی در خصوص آن در آرشیو دانشگاه مشاهده نشده است. در نشریه شماره ۲ «هنر معماری» (تیر، مرداد، شهریور ۱۳۴۸) عکس هایی از سردر دانشگاه تهران به چاپ رسیده است در ذیل آن نام طراح و محاسب سردر آورده شده است (این منبع نیز طراح را که کوروش فرزانی و محاسب آن را سیمون سرکیسیان ذکر کرده است). علاوه بر این در کتابچه راهنمای دانشگاه تهران (۱۳۵۱) نیز عکس سردر چاپ شده است.

مدیران دانشگاه

تا سال ۱۳۲۱ ه.ش دانشگاه تهران توسط وزیر فرهنگ مدیریت میشد. از آن تاریخ به بعد مدیریت دانشگاه بصورت مستقل و زیر نظر وزارت فرهنگ در آمد. اسامی مدیران دانشگاه از ابتدا تا کنون به شرح زیر میباشد:

۱۱. دکتر علی نقی عالیخانی	۲۱. دکتر بهمن یزدی صمدی	۱. دکتر علی اصغر حکمت
۱۲. دکتر هوشنگ نهاوندی	۲۲. دکتر محمد فرهادی	۲. دکتر اسمعیل مرآت
۱۳. دکتر احمد هوشنگ شریفی	۲۳. مهندس اسماعیل اوینی	۳. دکتر عیسی صدیق علم
۱۴. دکتر قاسم معتمدی	۲۴. دکتر حسین فروتن	۴. سید محمد تدین
۱۵. دکتر عبد الله شیبانی	۲۵. دکتر محمد رحیمیان	۵. دکتر مصطفی عدل
۱۶. دکتر محمد ملکی	۲۶. دکتر غلامعلی افروز	۶. دکتر علی اکبر سیاسی
۱۷. دکتر حسن عارفی	۲۷. دکتر محمد رضا عارف	۷. دکتر منوچهر اقبال
۱۸. دکتر علی مهدی زاده شهری عراقی	۲۸. دکتر سید منصور خلیلی	۸. دکتر احمد فرهاد معتمد
۱۹. دکتر ابوالقاسم گرجی	۲۹. دکتر رضا فرجی دانا	۹. دکتر جهانشاه صالح
۲۰. دکتر عباس شیبانی		۱۰. دکتر پروفیسور فضل ا... رضا

وقایع تاریخی

افتخارات عظیم و با شکوه تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین ، بیانگر وجود مراکز دانش ، معارف ، مطالعه و تحقیق در انواع علوم بوده است . مراکزی همچون : ((مدرسه نصیبین)) و ((مدرسه جندی شاپور)) در ایالت خوزستان که در سال پانصد و سی میلادی ، به فرمان خسرو انوشیروان تاسیس یافت و تا زمان عباسیان دوام داشت ، دلیلی بر این مدعاست . همچنین اندیشمندان دوره اسلامی ؛ همچون ، ابن سینا، رازی ، بیرونی و... در ارتقای تفکر و تعالی مدارج سیر و سلوک جامعه بشری ، در سطح جهان شناخته شده هستند. از دوران صفویه ، انتقال اصول معارف جدید از اروپا آغاز شد، تا اینکه اولین مدرسه جدید در سال ۱۲۱۲ ه.ش در ارومیه آغاز به کار کرد؛ همچنین ، در سال ۱۲۳۰ ه.ش اولین مدرسه دولتی بنام ((دارالفنون)) با رشته های مهندسی ، دواسازی ، طب و جراحی ، توپخانه ، پیاده نظام ، سواره نظام و معدن شناسی تاسیس شد. دارالفنون ، با تغییراتی ، ((دارالمعلمین مرکزی)) نام گرفت (سال ۱۲۹۶). دارای دو سطح مقدماتی و عالی بود. سطح مقدماتی ، برای تربیت دبیران مدارس ابتدایی و سطح عالی جهت تربیت دبیران

مدارس دبیرستان فعالیت می نمودند. این دو، بعدها دانشسرای مقدماتی و دانشسرای عالی را تشکیل دادند (سال ۱۳۱۲); البته مدارس دیگری به موازات این مدارس، بوجود آمده بودند؛ به عنوان مثال: مدرسه سیاسی، مدرسه طب، مدرسه فلاحت و... در سال ۱۳۱۲ ه.ش فکر تاسیس مرکزی که جامع همه یا اغلب مدارس عالی باشد عملی شد، و قانون تاسیس ((دانشگاه)) در ۸ خرداد سال ۱۳۱۳، از تصویب مجلس ((شورای ملی)) گذشت.

شایان ذکر است که همزمان با آغاز عملیات ساختمانی و ایجاد فضاهای کالبدی دانشگاه کوشش برای تدوین سازمان و تشکیلات منظم آن که تنها در قالب ارائه و تصویب لایحه ای قانونی امکان پذیر بود؛ آغاز شد. از همین رو بود که کمیسیونی از رجال نامی و برجسته آنروز تشکیل شد تا بدین مهم پردازد طرفه آنکه اعضاء کمیسیون مزبور هر کدام عصاره و دست پرورده مکاتب و نظام های فکری و فرهنگی گوناگون اعم از نمایندگان مکاتب سنتی و مدرن بودند. آنچه به عنوان پیش نویس لایحه عرضه کردند، برآستی برآیندی از سنت های علمی و آموزشی کهن ایرانی از جندی شاپور گرفته تا دارالفنون از یک سو و مدارس نوین و مدرن اروپایی از دیگر سو بود. نظری بر اسامی اعضاء آن کمیسیون که نامشان ذیلا آمده است گواه این سخن است: ۱- حاج سید نصرالله تقوی، استاد مدرسه سپهسالار ۲- بدیع الزمان فروزانفر، دانش آموخته حوزه های علمی خراسان ۳- غلامحسین رهنما، استاد ریاضیات دارالفنون ۴- میرزا علی اکبر دهخدا، رئیس مدرسه حقوق ۵- دکتر عیسی صدیق، دانش آموخته دانشگاههای اروپا و آمریکا ۶- دکتر رضازاده شفق، دانش آموخته دانشگاه برلین ۷- دکتر امیراعلم، فارغ التحصیل دانش پزشکی از لیون فرانسه ۸- دکتر لقمان الدوله ادهم، رئیس مدرسه طب و دانش آموخته اونیورسته پاریس ۹- دکتر علی اکبر سیاسی، فارغ التحصیل دانشگاه پاریس و رئیس تعلیمات عالیه آنروز ۱۰- میرزا محمدعلی خان گرگانی، رئیس وقت اداره بازنشستگی و از مدیران کاردان و نام آشنا در مسائل اداری و سازمانی ۱۱- علی اصغر حکمت، کفیل وزارت معارف. این استوانه های علمی و اداری پس از چند ماه مطالعه، تبادل نظر و بررسی، لایحه قانونی تاسیس دانشگاه را در اسفند ۱۳۱۲ به مجلس شورای ملی پیشنهاد کردند و پس از ۲ ماه بررسی و مطالعه در کمیسیون معارف پارلمان سرانجام قانون تاسیس دانشگاه تهران در هشتم خرداد ۱۳۱۳ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و برگی زرین در تاریخ تاسیس نهادهای آموزشی در ایران ورق خورد و اینبار قانون مزبور سرآغاز تاسیس نهادهای نوین آموزشی در تاریخ این مرز و بوم شد.